



عکس: موسی هاشم‌زاده

«انتظار جامعه از علم سیاست» در گفت‌وگو با دکتر سیدصادق حقیقت

دفاع از خیر عمومی

علم سیاست «منافع ملی» را به سیاست‌گذاران گوشزد می‌کند



رابطه علم سیاست در دانشگاه با «دولت» و «جامعه» تقریباً قطع است. دانشجوی علم سیاست نمی‌داند برای چه نیازی باید تحصیل کند و این امید نیز در او وجود ندارد که بعد از تحصیل علم بخواهد در بدنه دولت به کار تخصصی بپردازد

کند. بنابراین علم سیاست در کشورهای دموکراتیک، می‌تواند بر اساس «منافع ملی» به حاکمان خدمت کند ولی این امکان در کشورهای غیردموکراتیک اساساً یا ضعیف است یا وجود ندارد. نکته قابل ذکر در جمع‌بندی این مقدمه آن است که میان «وضعیت دموکراسی» و «وضعیت اقتدارگرایی» طیفی از درجات وجود دارد؛ یعنی کشورها به شکل صفر و صد، دموکراتیک یا غیردموکراتیک نیستند بلکه درجاتی از دموکراسی را دارا هستند. بنابراین به همین میزان می‌توان گفت که براساس این درجه‌بندی است که میزان بهره‌مندی کشورها از «علم سیاست» در فرآیند سیاست‌گذاری آنها معین می‌شود. پس هرچه به درجه دموکراتیک نزدیک‌تر شویم، میزان بهره‌مندی از علم سیاست نیز بیشتر خواهد شد.

از علم سیاست برای فهم جامعه انتظاری باید داشت؟

علم سیاست مانند هر علم دیگری باید جدی گرفته شود. اما متأسفانه در کشور ما این گونه نیست. شاهد هستیم هر کسی با هر تخصصی ادعای سیاست‌گذاری و تفسیر درست از علم سیاست دارد. در پاسخ مشخص به سؤالی که مطرح کردید، باید تمامی جنبه‌های مختلف علم سیاست نیز متناسب با عرصه خود بررسی شود؛ یعنی باید دید از جنبه تجربی یا جنبه اندیشه‌ای و حتی حوزه‌ای مانند روابط بین الملل که همگی در علم سیاست وجود دارند، چه انتظاری داریم. انتظاری که از سیاست به معنای کلی آن می‌رود آن است که عالمان آن به شکل تخصصی و آزاد از هرگونه اجبار، بتوانند به اهداف مدنظر این علم دست پیدا کنند و نتایج تحقیقات خود را در اختیار دولت و جامعه قرار دهند. انتظار دیگری آن است که هیچ چیز جز «منافع ملی» مدنظر این حوزه نباشد؛ یعنی فارغ از آنکه عالمان علم سیاست در کدام دسته‌بندی یا سلیقه سیاسی و به اصطلاح «چپ» یا «راست» قرار می‌گیرند و یا به کدامیک از مکاتب علم سیاست متعلق و وفادار هستند، باید به «منافع ملی» پایبند باشند.

ارتباط عالمان علم سیاست با دوتاه «دولت» و «جامعه» باید

چگونه باشد تا «علم سیاست» کارآمد ظاهر شود؟

همان‌طور که اخیراً وزیر محترم علوم اشاره کردند، همه بر ضرورت ارتباط بین دولت و جامعه با دانشگاه واقف هستیم اما نحوه مطلوب این رابطه یا چرایی عدم تحقق آن را به درستی نمی‌دانیم. به تعاریف وجود دارد اما در عمل این اتفاق نیفتاده است.

راهکار شمار برای این مسأله چیست؟

چاره آن است که حاکمان به شکل سیستماتیک از مشاوره عالمان علم سیاست حد اکثر استفاده را بکنند. یکی از راحت‌ترین مسیرها برای تحقق این مدل، پخش کردن Policy Paper یا همان «نامه سیاست» میان اساتید برجسته علوم سیاسی و سپس جمع کردن این نامه‌ها و تحلیل آنهاست. مقصود از Policy Paper در واقع آن است که در یک یا دو صفحه، دیدگاه اندیشمند علم سیاست در مسائل مورد نیاز حاکمان اخذ شود و دولت هم با بررسی مجموعه این دیدگاه و جمع‌بندی آرای مختلف بتواند پاسخ کارشناسی درخصوص نیاز خود را پیدا کند.

وضعیت کنونی علم سیاست در ایران و سفارش اجتماعی آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با نگاه واقع‌بینانه باید گفت علم سیاست در ایران وضع خوبی ندارد و ارتباط این علم با سیاست روز و تصمیم‌گیرندگان چندان قوی نیست. همه می‌دانیم باید این ارتباط برقرار باشد اما چند و چون آن «بهبود کارگزار» را برای برقراری این ارتباط متصور شویم، نظر من این است که «اصلاح ساختار» بر بهبود عملکرد کارگزار تقدم دارد. بنابراین مشکل در این زمینه ساختاری است و باید به صورت ساختار نیز حل شود.

چشم‌انداز علوم سیاسی در ایران

با نگاه واقع‌بینانه باید گفت علم سیاست در ایران وضع خوبی ندارد و ارتباط این علم با سیاست روز و تصمیم‌گیرندگان چندان قوی نیست. همه می‌دانیم باید این ارتباط برقرار باشد اما چند و چون آن مورد بحث قرار نگرفته است. اگر دو راه «اصلاح ساختار» یا «بهبود کارگزار» را برای برقراری این ارتباط متصور شویم، نظر من این است که «اصلاح ساختار» بر بهبود عملکرد کارگزار تقدم دارد. بنابراین مشکل در این زمینه ساختاری است و باید به صورت ساختار نیز حل شود.



بشر

علوم سیاسی

گروه اندیشه

بررسی کارآمدی علم سیاست در ایران اگرچه همواره موضوعی با مسائل و پیشینه گسترده بوده، اما ارزیابی مستمر آن با نگاه به تحولات روز کشور، ضروری است؛ چرا که هر مقطع زمانی در سپهر سیاسی کشور دارای مؤلفه‌های منحصر به فرد بوده و از این رو در کنار بازخوانی زمینه‌های ثابت برای ارتقای سطح کارآمدی علم سیاست، بایستی متغیرهای جدید را نیز در نسبت با بحث کارآمدی علم سیاست بررسی و لحاظ کرد. به همین خاطر «ایران» در گفت‌وگو با دکتر سیدصادق حقیقت، استاد علوم سیاسی، به واکاوی این موضوع به صورت خرد و کلان پرداخته است.

جناب دکتر حقیقت، «علم سیاست» چگونه در سیاست‌گذاری خرد و کلان دولت‌ها و جوامع ورود پیدا می‌کند؟ یعنی کدام کشورها را می‌توان مثال آورد که از معرفت و دانش علم سیاست به درستی بهره‌می‌گیرند؟ کشورهای جهان به دو دسته دموکراتیک و غیردموکراتیک تقسیم می‌شوند. در یک تعریف کلی می‌توان گفت کشورهای دموکراتیک براساس خواست مردم اداره می‌شوند و کشورهای غیردموکراتیک بر اساس خواسته‌های اشخاص خاص.

تأملی بر کتاب «سیاست خشونت جمعی در خاورمیانه» اثر لورا رابینسون، استاد دانشگاه پکن

پیامدهای بی تفاوتی به «تفاوت»

«سیاست شمول‌گرایی» قدرت جمعی می‌آفریند

تاریخ سیاسی

عسکر قهرمانپور

مترجم

کتاب «سیاست خشونت جمعی در خاورمیانه» اثر لورا رابینسون، مورخ و استاد دانشگاه پکن، به تازگی به قلم عسکر قهرمانپور به فارسی ترجمه و به همت انتشارات شیرازه وارد بازار نشر شده است.

رابینسون که عمدتاً بر تاریخ مدرن خاورمیانه متمرکز است در این کتاب به واپسین سال‌های دولت عثمانی و دلایل زوال آن اشاره می‌کند؛ امپراطوری که نزدیک به چهارصد سال حکومت راند، اما سرانجام به سه دلیل که رابینسون در این کتاب به آن می‌پردازد، فروپاشید. منطقه‌ای که این کتاب با آن سرکار دارد، در مطالعات خاورمیانه به «مشرق» معروف است یعنی سرزمین‌های عربی زبان در شرق مصر و شمال شبه جزیره عربستان که پیرامون «بالادشام» یا «سوریه بزرگ» متمرکزند و نویسنده در این کتاب درباره چرایی و چگونگی پدیده سیاسی «خشونت توده‌ای» در این منطقه سخن می‌گوید؛ اینکه «خشونت توده‌ای» چگونه به چشم‌انداز سیاسی این منطقه بدل شد. مترجم این اثر پروژه فکری نویسنده را در یادداشتی اختصاصی برای «ایران» تبیین کرده است.



دولت عثمانی به‌جای گفت‌وگو و هویت دگر (هویت‌های مذهبی، ملی، قومی و زبانی) تلاش کرد با ابزار اقلی‌سازی دست به هویت‌سازی بزند و بدون توجه به مسأله «تفاوت» همه را در یک هویت یک‌نچاند و به‌جای «سیاست شمول‌گرایی» سیاست حذف و طرد را در پیش گرفت

مصائب اقلیت‌سازی برای دولت و جامعه

وقتی رابطه دولت و جامعه مبتنی بر بهتری و کثرتی باشد و هر کدام خود را در اولویت قرار دهد و ارتباط و گفت‌وگو بین الاذهانی میان این دو برقرار نباشد، حاصل این امر خشونت فروپاشی خواهد بود. در فرآیند گفت‌وگویی و مشورتی است که هر دو طرف برداشت‌هایشان را به چالش می‌کشند و نظام سیاسی رفته‌رفته صیقل می‌خورد و فضای دموکراتیک به وجود می‌آید. عثمانی تلاش کرد از جماعت‌های متکثر در یک کشور اقلیت‌سازی کرده و با نادیده گرفتن تکثرگرایی، هویت عثمانی را به آنان تحمیل کند و از سوی دیگر، به مرکزگرایی روی آورد و همه اقلیت‌ها را محصور در سرزمین جغرافیایی کرد که خلاف میل آنان بود و همین امر یکی از عوامل فروپاشی دولت عثمانی شد. به جوش آمدن دیگ منازعات ملی‌گرایی بعد از جنگ سرد در حوزه بالکان، حوزه‌ای که عثمانی بر آن حکومت می‌راند و هم‌زمان طلوع بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داد که لیبرال دموکراسی برای رسیدن به بلوغ، هنوز راه طولانی در پیش دارد.

چرخه معیوب خشونت جمعی

این کتاب روایت تاریخی تبدیل شدن «خشونت جمعی» به عنصری بنیادی در ساخت دولت و اقتدار سیاسی در خاورمیانه است که زمینه مادی‌اش اقتصاد سیاسی غارت و چپاول بود طی سه دوره تاریخی متوالی بر این بخش از جهان غالب گشت. دوره نخست، متصادف است با دوره متأخر حیات امپراطوری عثمانی و برآمدن پدیده‌ای که می‌توان از آن با عنوان «اقلیت‌سازی» از جماعت‌هایی متکثر ساکن در این منطقه و «سرزمینی کردن» جغرافیای حضور آنها نام برد. دوره دوم شاهد تلاش دو امپراطوری انگلیس و فرانسه هستیم برای اعمال سلطه بر مشرق و دست‌اندازی بر منابع مادی آن حوزه نفت و منابع مالی و سرزمینی‌اش از طریق کاربرد روش‌های قهری و اغلب خشونت‌بار ترغیب و پشیمانی از یک گروه قومی، مذهبی در مقابل سایرین. برآمدن دولت‌های پسااستعماری آخرین مرحله از چرخه معیوب خشونت جمعی است؛ دولت‌هایی که در مواجهه با مداخلات مستمر بیرونی با هدف حفظ منافع استعماری و تسلط پایدار بر منابع خاورمیانه، به نهادینه‌کردن خشونت به عنوان روش اصلی حکمرانی روی آوردند.



رابینسون که عمدتاً بر تاریخ مدرن خاورمیانه متمرکز است در این کتاب به واپسین سال‌های دولت عثمانی و دلایل زوال آن اشاره می‌کند؛ امپراطوری که نزدیک به چهارصد سال حکومت راند، اما سرانجام به سه دلیل که رابینسون در این کتاب به آن اشاره می‌پردازد، فروپاشید



از طریق عمل و شیوه خشونت «از عهده حقارت، ناامیدی و انفعالش‌رهایی پیدا کند». در واقع قانون می‌خواست بگوید که توسل به خشونت یک تصمیم سیاسی و یک استراتژی عمدی بوده که بازیگران مشخص در زمان‌های خاص با اهداف خاص از آن استفاده می‌کردند.

مواهب ارتباط دولت و جامعه

در نهایت، نویسنده به عامل سوم اشاره می‌کند که برآمدن دولت‌های پسااستعماری است که در مواجهه با مداخلات بیرونی، به نهادینه‌کردن خشونت روی آوردند. چنین مداخله‌هایی مانع شکل‌گیری دموکراسی در این منطقه بوده است و تحمیل الگوی دموکراسی از بیرون حاصلی جز خشونت نداشته است. آیا دولت عثمانی می‌توانست جلوی فروپاشی را بگیرد؟ اتخاذ چه سیاست‌هایی می‌توانست از این اتفاق جلوگیری کند؟ در اینجا برای بحث در مورد این پرسش‌ها فضای کافی وجود ندارد، اما دست‌کم می‌توان ادعا کرد که اعتقاد بر «سیاست شمول‌گرایی» و با لحاظ کردن کرامت انسان‌ها اعم از هر قومیت و مذهب و زبانی از یک طرف و گنجاندن این سیاست در قانون اساسی و برقراری ارتباط بین الاذهانی بین دولت و جامعه می‌توانست هزینه‌های خشونت را کاهش دهد، چنانکه میلیون‌ها انسان قربانی نشوند.

دولت عثمانی دست به اصلاحات زد اما دیگر دیر شده بود و اصلاحات هم دردی را دوا نمی‌کرد. نوشداروی تاریخ هم به فریادش نرسید. سرزمینی کردن هویت‌های قومی، ملی، مذهبی و فرهنگی زبانی به گمان و خیال دولت عثمانی مرزهایش را تا بی‌کران‌ها پهن خواهد کرد. اما نتیجه عکس داد و مرزها از بین رفتند و سفره امپراطوری کوچک‌تر شد. بی‌تفاوتی به «تفاوت» آتشی بر جان دولت انداخت که همه‌جا را فراگرفت.

وقتی «خشونت» استراتژی سیاسی شد

نویسنده در دوره دوم، تلاش دو امپراطوری انگلیس و فرانسه را نشان می‌دهد که به دنبال اعمال سلطه بر مشرق و دست‌اندازی بر منابع مادی آن منطقه بودند. در واقع، به‌جای «سیاست شمول‌گرایی» سیاست حذف و طرد را در پیش گرفت و این گونه بود که «مرزها» هم طردکننده و هم جذب‌کننده شدند. آثانی که در قلمرو عثمانی تعریف می‌شدند خودی و آثانی که مقاومت می‌کردند غیرخودی شدند. همه‌پای‌شبیبه هم می‌شدند و «شبهات» عنصر اصلی یکپارچگی در دولت عثمانی شد و این یکپارچگی هم به نوبه خود، شرط لازم قدرت جمعی بود. نویسنده کتاب حاضر، با استناد به این عوامل، فرروپاشی عثمانی را هموار کردند.

آگهی تجدید مزایده عمومی

تاریخ چاپ نوبت اول، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶
تاریخ چاپ نوبت دوم، ۱۴۰۲/۱۱/۰۳
نوبت اول

نزد بانک ملی شعبه شهر اندیشه کد ۲۴۱۷ (ب) ضمانت‌نامه بانکی
تذکره ۱: مدت تضمین فوق‌الذکر در زمان بازگشایی پیشنهادهای قیمت معتبر بوده و برای اسامه دیگر نیز قابل تمدید باشد و علاوه بر آن ضمانت‌نامه‌های بانکی باید طبق فرم‌های قابل قبول تنظیم شود.
تذکره ۲: به پیشنهادهای کد سپرده شرکت در مزایده آنها به غیر از موارد فوق‌الذکر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir اقدام نمایند.
۴- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده: از تاریخ انتشار آگهی لغایت پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۳ در سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir قرارگذازی نمایند.
تذکره: در جلسه بازگشایی صرفاً اسناد دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است.
۷- تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادهای: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir می‌باشد.
۸- هزینه درج آگهی در روزنامه: بعهده برنده موضوع مزایده است.
**۹- شهرداری اندیشه در رد یا قبول تمام پیشنهادهای بدون ذکر دلیل مختار می‌باشد.
فرم ویر: ۱۳۰۲۱۱۰۱- شهردار شهر اندیشه**